

شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تأثیر آن بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی

بهزاد قاسمی^۱

محمد مبینی^۲

تأیید مقاله: ۱۳۹۸/۰۳/۲۹

دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۰۸/۱۹

چکیده

ایران، از لحاظ تاریخ، فرهنگ، تمدن و جغرافیای سیاسی در میان کشورهای غرب آسیا و به‌خصوص در منطقه دارای جایگاه ممتاز و موقعیت برتر بوده است. امروزه جمهوری اسلامی ایران برای عمق‌بخشی در منطقه به عنوان رهبر منطقه‌ای دارای پتانسیل و شاخص‌های رهبری است. هدف مقاله حاضر شناسایی و معرفی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران است. پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش تحقیق تلفیقی بوده که با استفاده از روش دلفی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده و با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با عناصر اصلی و چرخش متعامد از نوع واریماکس اعتباریابی شده است. جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی بوده و همچنین مدیران و پژوهشگران مراکز تحقیقاتی که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به منظور شناسایی شاخص‌های مرتبط با رهبری منطقه‌ای، در مرحله اول با مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین به گسترش یک مقیاس رهبری منطقه‌ای متناسب پرداخته شد. در مرحله دوم با مراجعه به خبرگان و انجام مصاحبه‌های نیمه ساختار یافته نسبت به اصلاح شاخص‌های احصا شده از ادبیات تحقیق پرداخته شد. در مرحله سوم به منظور تشخیص اینکه کدام شاخص رهبری ابعاد اصلی رهبری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و همچنین شناسایی روابط بین شاخص‌ها، از تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد. شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، مشتمل بر پنج بعد انرژی درونی، قوانین ممتاز و مجریان توانمند، قوای مسلح و جمعیت، علم، فناوری و اقتصاد و تعاملات (میزان تأثیرگذاری در ملت‌ها) و با دوازده شاخص، شناسایی گردید. بر اساس نتایج یافته تحقیق، به نظر می‌رسد با شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای، عمل و استمرار آن، سبب عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی خواهد شد؛ مصادیق و نمونه‌های عینی بررسی شده در مقاله، این فرضیه را تأیید می‌کند.

کلیدواژه‌ها

رهبری منطقه‌ای، انرژی درونی، علم و فناوری، تأثیرگذاری بر سایر ملت‌ها، عمق‌بخشی انقلاب اسلامی.

۱. نویسنده مسئول: استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

ghasemi.b@ihu.ac.ir

۲. استادیار دانشکده و پژوهشکده مطالعات بین‌الملل، دانشگاه جامع امام حسین (علیه‌السلام)

mobini20@yahoo.com

مقدمه

قدرت منطقه‌ای اگرچه در ظاهر به معنی قدرتمندترین دولت در سطح منطقه یا سیستم تابعه منطقه‌ای است، اما رسیدن به چنین موقعیتی در جهان امروز مستلزم رعایت قواعد ظریفی است که ریشه در اهمیت یافتن شناسایی شاخصه‌های آن دارد. تثبیت موقعیت هر دولت مدعی رهبری منطقه مستلزم پذیرش این نقش نه فقط از سوی دولت‌های منطقه، بلکه سایر بازیگران فرا منطقه‌ای ذی‌نفوذ در منطقه است. قدرت منطقه‌ای باید مروج و حامی اصول، قواعد و هنجارهایی باشد که هم در سطح منطقه مقبولیت دارند و هم در سطح سیستم بین‌الملل، متعارف شمرده می‌شوند. قدرت منطقه‌ای «رهبری منطقه‌ای» واژه‌ای است که استفاده از آن در تجزیه و تحلیل‌های مربوط به امور بین‌المللی بسیار رایج است (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۳۹). این مقاله، تلاش دارد شاخص‌های رهبری منطقه‌ای را به صورت دقیق شناسایی کرده و جایگاه رهبری منطقه‌ای ایران را تحلیل کند؛ آن‌گاه نقش و تأثیر آن را بر عمق‌بخشی انقلاب اسلامی تبیین نماید.

نقش رهبری منطقه‌ای، انعکاس هویت جدید ایران در قالب آرمان‌های اسلامی و رهایی بخشی و نفی سلطه در فراسوی مرزها است (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴۸۴). انقلاب اسلامی ایران حامل گفتمان جدید و نو در منطقه و جهان است که علاوه بر موفقیت و تجربه بیش از چهل سال، در برابر قدرت‌های استکبار جهانی ایستادگی و مقاومت کرده است. از ملزومات اساسی رهبری منطقه‌ای، دارا بودن گفتمان قوی، اثرگذار و کارآمد است. گفتمان انقلاب اسلامی در طول حیات سیاسی خود همواره درصدد ایجاد ثبات در منطقه با تکیه بر گفتمان انقلابی و مقابله با استکبار و هرگونه ظلم بوده است. امروزه با توجه به دگرگونی سریع تحولات منطقه، به‌خصوص ایجاد مزاحمت‌ها توسط گروه‌های تکفیری - تروریستی در جهان اسلام و برای انقلاب اسلامی (قاسمی، ۱۳۹۷ الف: ۳۴) و قدرت‌های رقیب منطقه‌ای و بین‌المللی، انقلاب اسلامی و نظام جمهوری اسلامی چگونه و با چه مؤلفه‌هایی به اهداف آرمانی و انقلابی خود دست یابد، مسئله اصلی است؛ برای این هدف شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای مورد سنجش قرار می‌گیرد. هدف از انجام تحقیق شناسایی شاخص‌ها برای دست یافت به مسئله مذکور، تقویت آن و کاربست آن در عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی ایران است.

مفهوم رهبری منطقه‌ای

شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای از اندازه جمعیت و زمینه‌های جغرافیایی تا قابلیت‌های نظامی و اقتصادی و آرزوهای سیاسی آن‌ها متغیر است. کشورهایی که تحت عنوان قدرت‌های نوظهور یا قدرت‌های منطقه‌ای از آن‌ها یاد می‌شود بر همسایگان خود در زمینه توان منابع، جمعیت، سرزمین، نظامی و تولید ناخالص داخلی برتری دارند؛ علاوه بر این آن‌ها در سال‌های اخیر به صورت روزافزونی به بیان آرزو و خواسته خود برای رهبری در منطقه و همین‌طور تقاضای مشارکت در اداره جهان پرداخته‌اند. قدرت‌های نوظهور در کنار ایجاد صدایی جدید و نشان دادن فعالیت‌های روزافزون در عرصه بین‌الملل، با تقویت یکپارچگی و اتحاد منطقه‌ای برای رهبری همسایگان خود نیز تلاش می‌کنند. بالا رفتن آرزوها و تشدید کنش‌های ژئوپلیتیک آن‌ها در سال‌های اخیر، ویژگی مشترک این کشورهاست (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

در تبیین قدرت‌های منطقه‌ای و قدرت منطقه‌ای ایران راهبرد امپراتوری، هژمونی یا سلطه و رهبری طرح و بحث شده است (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). رهبری همانند امپراتوری و تا حد بیشتری همانند سلطه در تئوری روابط بین‌الملل، مفهومی بحث‌انگیز است؛ درحالی‌که سلطه‌گر قصد دارد اهداف خود را محقق کند و آن‌ها را به عنوان هدف مشترک با دولت‌های تابع نشان دهد رهبر، یک گروه از دولت‌ها را برای تحقق بخشیدن یا تسهیل شناسایی اهداف مشترکشان هدایت یا فرماندهی می‌کند و البته به هدف خود نیز می‌رسد؛ رهبران قادر به عوض کردن انگیزه‌ها و اولویت‌های پیروان‌اند؛ اما آن‌ها خود نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند. رهبر به شکل انحصاری برای تعقیب منافع خودش عمل نمی‌کند؛ اما تقریباً یاری‌رسان گروهی از دولت‌ها در تعقیب اهداف مشترک است. رهبری به معنای اعمال قدرت توسط رهبر نیست؛ زیرا مشارکت پیروان، داوطلبانه و به نفع خود آن‌هاست. رهبری دلالت می‌کند بر رهبرانی که خود را تحریک به اقدام بر مبنای اهداف اصلی می‌کنند که معرف ارزش‌ها و انگیزه‌ها، خواسته‌ها و نیازها، آرزوها و انتظارات هم رهبر و هم پیروان است.

در مجموع صاحب‌نظران بر این باورند، علاوه بر ابزار و معیارها، شاخص مهم در بحث قدرت منطقه‌ای پذیرش عمومی یک کشور از سوی همسایگان و سایر قدرت‌های رقیب است؛ مطمئناً استقبال نکردن، نپذیرفتن یا پشتیبانی نکردن کشورهای همسایه مانعی بر سر راه قدرت

منطقه‌ای برای دست‌یابی به اهداف خود است. هر کشوری که مدعی راهبری منطقه‌ای است، برای عملکرد موفق باید از سوی پیروانش پذیرفته شود؛ در این زمینه کشورهای همسایه از اهمیت خاصی برخوردارند (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۴). نپذیرفتن یا پشتیبانی نکردن کشورهای همسایه از دستیابی قدرت‌های نوظهور به اهدافشان جلوگیری می‌کند. هر رهبری برای پذیرش از سوی پیروان باید عملکرد موفق‌تری داشته باشد که در این مورد کشورهای همسایه از اهمیت خاصی برخوردارند؛ چراکه دستیابی کشورها به قدرت بیشتر، نخست بر همسایگان تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین برای اینکه یک کشور در سطح منطقه‌ای، جهانی و ائتلاف‌های بین‌المللی قدرت‌نمایی کند، بیش از هر چیزی، این کشورهای همسایه هستند که باید شرایط جدید را بپذیرند. متغیرهای مادی مانند دسترسی به بازار، سرمایه‌گذاری، پرداخت‌های مستقیم (مثل کمک‌های توسعه‌ای یا وجوه مشترک) و همچنین عقاید، هنجارها و ارزش‌های غیرمادی مشترکی که موجب ایجاد تعریفی مشترک از موقعیت رهبر-پیرو می‌شوند، مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار در طرح رهبری هستند.

شناسایی رهبری منطقه‌ای و شاخصه رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران

شناسایی رهبری منطقه‌ای و قدرت‌های منطقه‌ای، در واقع؛ قدرتمندترین دولت‌ها در سطح مناطق یا سیستم‌های منطقه‌ای هستند. محققان این حوزه مطالعاتی، برای قدرت منطقه‌ای یا به تعبیر «ایویند استرود» قدرت‌های بزرگ منطقه‌ای چهار ویژگی اصلی را برمی‌شمارند؛ نخست، از لحاظ جغرافیایی در بخشی از منطقه معینی باشد؛ دیگری قادر به مقابله با هرگونه ائتلاف سایر دولت‌ها در منطقه باشد؛ سوم نفوذ بالایی در امور منطقه‌ای داشته باشد و اینکه به واسطه منزلت و اعتبار منطقه‌ای، پتانسیل تبدیل شدن به قدرت بزرگ در مقیاس جهانی را داشته باشد (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۵)^۱. بر اساس سند چشم‌انداز بیست‌ساله نظام جمهوری اسلامی ایران، جایگاه ایران در سال ۱۴۰۴ هجری در سه سطح منطقه‌ای، جهان اسلام و بین‌الملل، توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری، با هویت اسلامی و انقلابی خواهد بود (سند چشم‌انداز،

۱. جهت اطلاعات بیشتر ر.ک: Daniel Flesmes, "Conceptualising Regional Power in International Relations"

۱۳۸۲)؛ بر اساس اسناد بالادستی، جمهوری اسلامی باید در این مسیر حرکت کند. توانایی و استعداد مادی و معنوی مورد نیاز ایران برای تبدیل شدن به رهبری منطقه‌ای را دارد (flemes,2010: p172).

از قدرت‌های منطقه‌ای انتظار می‌رود با تجهیز به اقتدار معنوی نسبت به امور مختلف منطقه بی‌تفاوت نباشند و به‌خصوص در قبال منازعات منطقه در نقش صلح ساز و پلیس مقبول ظاهر شوند؛ این نقش مغایرتی با اصل رقابت قدرت ندارد. برای قدرت‌های منطقه‌ای، منطقه نقش حیات خلوت آن‌ها را دارد و از این رو، حفظ نظم و امنیت آن‌ها مهم است (قنبرلو، ۳۸۸: ۵۶).

جمهوری اسلامی ایران به دلیل برخورداری از تمدنی قدرتمند و کهن و با تلفیقی از قدرت سخت و نرم به‌خوبی توانسته است خود را به یک قدرت مهم منطقه‌ای، بانفوذ و تأثیرگذار در سیستم منطقه‌ای و جهانی تبدیل نماید. ایستادگی و مقاومت در برابر فشارهای گوناگون و تهدیدات گسترده سخت و نرم قدرت‌های غربی، از قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی در عرصه بین‌الملل حکایت می‌کند؛ این قدرت علاوه بر موقعیت ژئوپلیتیکی و ژئواستراتژیک و رشد شاخص‌های فناوری و علمی داخلی، الهام گرفته از رسالت جهان‌شمول انقلاب اسلامی ایران است و امواج بیداری انسانی و اسلامی و تلاش برای بازسازی تمدن اسلامی با تکیه بر خودباوری و انقلاب فرهنگی را در میان ملت‌های منطقه به راه انداخته است (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۶). عمل به آرمان انقلابی، حفظ گفتمان اولیه انقلاب، نفی سلطه و مقاومت در برابر ظلم و استکبار از ماهیت اصلی انقلاب ایران است. حرکت در مسیر انقلابی باعث قدرتمند شدن ایران در پاسخ دادن به تحریم‌ها، تهدیدها و تهاجمات شده است که برخی رژیم‌های محافظه‌کار منطقه و قدرت‌های برتر مسلط در نظام بین‌الملل برای ایران داشتند. رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در واقع پیوندی از اسلام‌گرایی و ملیت‌گرایی در هویت ملی محسوب می‌شود (رحمانی، ۱۳۹۴: ۴۸۴). شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران را می‌توان در مؤلفه‌هایی مورد توجه قرار داد که زمینه تحقق عمق‌بخشی انقلاب اسلامی را فراهم خواهند کرد:

۱. موقعیت جغرافیایی ممتاز در منطقه: مهم‌ترین شاخصه رهبری منطقه‌ای دارا بودن کشور به موقعیت ممتاز و برتر جغرافیایی است که کشور را در عرصه سیاست و رهبری موجب برتری می‌کند.

۱-۱- جغرافیای سیاسی - ژئوپلیتیک: ایران در خاورمیانه به «هارتلند» قلب سرزمین تعبیر شده است (دوئرتی و فالتزگراف، ۱۳۸۳: ۱۱۷)؛ به عنوان تقاطع بین‌المللی و دنیا نام گرفته که جاده ابریشم در سابقه تاریخی خود نشانگر آن است؛ این کشور متصل‌کننده سه قاره آسیا، آفریقا و اروپا بوده است.

۲-۱- جغرافیای فرهنگی - ژئوکالچر: در سال‌های پس از پایان جنگ سرد، بُعد فرهنگی نیز در مطالعات ژئوپلیتیکی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شد. بُعد فرهنگی ژئوپلیتیک که ژئوکالچر نامیده می‌شود، ایران در دو سطح ژئوکالچر شیعی و ژئوکالچر اسلام ایفای نقش می‌کند. رشد جنبش‌های مقاومت و گسترش نیروهای ضدساختاری در نظام بین‌الملل در بازتعریف مناسبات بین‌المللی بر اساس عوامل فرهنگی ریشه دارد؛ به این ترتیب نشانه‌های ژئوکالچر را می‌توان در هویت‌سازی، مقاومت، چندجانبه‌گرایی، ائتلاف هویتی و دشمن‌سازی مشاهده کرد (علی‌دادی، ۱۳۹۰: ۱۷۷ و ۱۷۸).

۳-۱- جغرافیای اقتصادی - ژئو اکونومیک: مقصود از جغرافیای اقتصادی توانمندی کشور در ارتباطات در حوزه راه‌ها و نقاط اتصال به شبکه اقتصادی هست. کشور در تولید ناخالص داخلی در منطقه، رتبه اول را داراست (بیک، ۱۳۸۹: ۱۱۴). ایران از ظرفیت‌های اقتصادی بالایی برخوردار است و در صورتی که بتواند آن‌ها را به فعلیت درآورد تا سال ۲۰۵۰ بزرگ‌ترین اقتصاد در بین کشورهای در حال توسعه خواهد بود (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

از فرصت‌هایی که ایران در سیاست منطقه‌ای خود توان بهره‌گیری از آن را دارد، ژئوپلیتیک اقتصادی است. ایران به دلیل قرار گرفتن در مرکز چند منطقه غنی منابع طبیعی شامل دریای خزر، منطقه آسیای مرکزی، قفقاز و خلیج فارس از اهمیت خاص ژئو اکونومی برخوردار است که از این اهرم می‌تواند بیشترین استفاده را در جهت تقویت قدرت منطقه‌ای ببرد؛ یکی از این منابع نفت است. کوه مبنای توسعه صنعتی کشورهای قدرتمند جهان را تشکیل می‌دهند،

دسترسی به آن تضمین کننده تداوم جریان توسعه است (دهشیری و رضایی جعفری، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

در مجموع، دوسوم ذخایر ثابت نفت و یک‌سوم ذخایر ثابت شده گاز در خاورمیانه نهفته است. وجود منابع عمده انرژی در خاورمیانه موقعیت ایران را به حدی ارتقا بخشید است که با اکثر کشورهای همسایه، دارای علایق مشترک ژئوپلیتیکی است؛ بهره‌گیری از این موقعیت در معادلات سیاسی بین‌الملل می‌تواند در ارتقای جایگاه منطقه‌ای ایران بسیار تأثیرگذار باشد (دهشیری و رضایی جعفری، ۱۳۹۳: ۲۱۰).

۲. جمعیت: برخی از نظریه‌پردازان، جمعیت را موتور توسعه نامیده‌اند. ایران نزدیک به هشتاد میلیون جمعیت دارد که از مجموع همه کشورهای پیرامونی خلیج فارس بیشتر است؛ این موضوع دست‌کم به معنای نیروی کار قابل توجه و بازار مصرف غیرقابل انکار است و جمعیت جوان تحصیل کرده آن سرمایه انسانی بسیار مناسبی را ایجاد کرده است که می‌تواند در صورت استفاده بهینه عاملی باشد برای آبادی کشور، به زیر کشت بردن زمین‌ها، گسترش مراتع و جنگل‌ها، مهار آب‌ها، پس راندن کویرها، بهره‌برداری از منابع معدنی، ایجاد صنایع سنگین و کلیدی، گسترش آموزش علوم و فنون و درنهایت توسعه اقتصادی و ایجاد قدرت ملی است (ربیعی، ۱۳۹۶: ۱۲۶).

۳. انقلاب ایران و رهبری نهضت: ماهیت «اسلامی» انقلاب ایران، «ایدئولوژی اسلامی»، این انقلاب را از همان آغاز به یک ایدئولوژی فراملی و دارای بازتاب تبدیل کرد. یک ایدئولوژی با محتوی و پیام جهانی که حداقل در میان مسلمانان منطقه در وضعیت کنونی دارای قلب‌های پذیرنده داشته و دارد (قاسمی، ۱۳۹۷: ۲۹). ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران پیشاپیش دارای مخاطبین فراوانی در سرزمین اسلامی داشته که نه تنها زبان این ایدئولوژی را درک کرده بلکه در آرزوی آن هستند. با انقلاب اسلامی، کشور توانست از جنبه نظری «تئوریک» و بعد عملی عینیت یابد و تجلی و بازتاب بیرونی و خارجی پیدا کند (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷). انقلاب ایران بر خلاف انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (با حضور مردم و طبقات مختلف) و بر مبنای معنویات و ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیستی روسیه و

لیبرالیستی فرانسه وجود ندارد (حشمت‌زاده، ۲۳۷-۲۴۰) ایدئولوژی و هویت معنوی انقلاب اسلامی ایران از مشخصه‌های مهم جمهوری اسلامی ایران، در راستای رهبری منطقه‌ای است.

۴. حمایت و پشتیبانی از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های رهایی‌بخش: طبق اصول روشن قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که برآمده از مبانی قرآنی و توحیدی است حمایت از مسلمانان، مستضعفان و مظلومان عالم در برابر قدرت‌های مستکبر، یکی از اصول سیاست خارجی است (قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، اصل ۱۵۴). از آنجا که جمهوری اسلامی ایران سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد؛ بنابراین در عین خودداری کامل از هرگونه دخالت در امور داخلی ملت‌های دیگر از مبارزه حق‌طلبانه مستضعفین در برابر مستکبرین در هر نقطه از جهان حمایت می‌کند؛ در عین خودداری کامل از دخالت در امور داخلی کشورها از ملت‌های مبارزه حمایت و پشتیبانی می‌کند (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۷۰).

۵. فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی: انقلاب اسلامی از ایدئولوژی اسلامی که داعیه‌دار سعادت و خوشبختی تمام جهانیان است، شکل گرفته و به آن عمل کرده است (اسپوزیتو، ۱۳۸۲: ۲۶۱). امام خمینی (ره) هدف نهایی انقلاب را بازگرداندن هویت اسلامی به ایران می‌داند (امام خمینی، صحیفه نور، ۱۳۷۸، ج ۸: ۲۷۸). علاوه بر سابقه فرهنگ و تمدنی ایران پیش از اسلام و دوره اسلامی و قبل انقلاب اسلامی و فطری بودن فرهنگ؛ ایدئولوژی اسلامی و هنجارها، باورها و ارزش‌های مبتنی بر اسلام نقطه بسیار مهم و مشترک بین ایران و کشورهای منطقه و مسلمانان است. ماهیت و جوهر معنوی انقلاب ایران، یک تحول ارزشی در جهان محسوب می‌شود (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۹۴). اقتدار معنوی از ویژگی بارز بازیگری است که انقلاب اسلامی آن را دارا است (ساعد، ۱۳۸۹: ۸۴). مهم‌ترین وجه ممیزه انقلاب اسلامی ایران از سایر حاکمیت‌های پیش از خود، توجه به تمدن اسلامی و به‌کارگیری هنجارهای اسلامی و انسانی است (متن پیام رهبری انقلاب به کنگره عظیم حج ۱۳۸۷/۹/۱۷). فرهنگ و ایدئولوژی حاکم بر انقلاب اسلامی ایران که در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران تجلی کرده است. امروزه در دنیا دو قدرت اسلامی و استکبار وجود دارد که در منطقه غرب آسیا گفتمان انقلاب اسلامی به عنوان بزرگ‌ترین رقیب گفتمان آمریکایی و ضد آن به شمار می‌آید که غالب

خیزش‌ها در منطقه ضد استکباری به شمار می‌آیند که در نتیجه قدرت برتر ایران در منطقه است (Rubin, 2013: p12)؛ این موضوع زمینه مناسب برای درک متقابل، همبستگی و همراهی با اهداف جمهوری اسلامی ایران را فراهم می‌کند؛ پس از انقلاب اسلامی پیگیری آرمان‌های اسلامی در سیاست خارجی، مخالفت با رژیم صهیونیستی و موضوعاتی از این دست (درخشه، غفاری، ۱۳۹۰: ۱۹) قدرت منطقه‌ای ایران را افزایش داده است؛ در حالی که مجموعه‌ای از تأثیرپذیری‌های غیرارادی یا به تعبیر فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه هستیم؛ این تأثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تأثیر آن قرار گرفتند (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶).

۶. کمک‌های مردمی و حمایت از ملت‌ها: مبتنی بر گفتمان انقلاب اسلامی کمک و حمایت از ملت‌ها در حوزه کمک‌های بلاعوض و بشردوستانه نیز از موضوعات مهم در رهبری منطقه‌ای ایران است؛ آنچه در بیانات رهبری انقلاب نیز آمده «ما در داخل کشور خودمان، در عراق، در سوریه، در لبنان با کسانی که علیه تروریسم می‌جنگیدند همکاری کردیم، کمکشان کردیم» (بیانات مقام معظم رهبری ۱۳۹۴/۰۲/۲۶). ایران در عراق به شهرهای شیعه‌نشین با کمک‌های کم‌بهره و بلاعوض در ساخت مدرسه و بیمارستان کمک کرده و در توسعه و آبادانی اقداماتی را به انجام رسانیده است (عطایی، ۱۳۹۰: ۲۰۰). قانون اساسی برآمده از انقلاب اسلامی، نظام جمهوری اسلامی را موظف کرده از مظلوم دفاع کرده و با ظالم مبارزه کند و همانا وعده الهی حاکمیت مستضعفین بر جهان است. «مقاومت انعطاف‌ناپذیر» از ویژگی برجسته فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی ایران است (سلیمانی، ۱۳۹۰: ۱۹۶)؛ این شاخصه از مهم‌ترین مؤلفه‌های تأثیرگذاری در منطقه است. به نظر می‌رسد که در میان دولت‌ها هیچ بازیگری به اندازه جمهوری اسلامی در برابر سلطه از خود پایداری نشان داده است؛ این موضوع علاوه بر امنیت، قدرت برتری منطقه‌ای نیز می‌دهد.

۷. نه شرقی و نه غربی، عدم وابستگی: استقلال و آزادی در رهایی از شرق و غرب بود که ایران با تکیه بر اندیشه اسلامی از ساختار نظام بین‌المللی خود را رها ساخت (موسوی، ۲۰۱۰: ۱۲۴) ایران به عنوان یک کشور مستقل و غیرمتعهد در منطقه به شمار می‌آید و الگو ملت‌ها

در منطقه بوده است؛ و در عرصه نظام بین‌الملل مستقل است. جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی ایران همراه با یک تجدیدنظر طلبی و عدم آمادگی برای پذیرش هنجارهای بین‌المللی و نیز به چالش کشیدن آن‌ها است (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۹۳ و دهشیری، ۱۳۸۷: ۳۳۰). خطوط اصلی سیاست خارجی ایران که پایه اصلی آن نه شرقی و نه غربی است، تغییر نیافته و هرگز قابل تغییر نیست (بیانات مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام ۱۳/۰۳/۱۳۷۰)؛ امروزه نیز بر اساس بیانات رهبر انقلاب، جمهوری اسلامی پس از گذشت چهار دهه؛ «آرمان‌های انقلابی را حفظ کرده باشند؛ اما انقلاب پرشکوه ملت ایران که بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید است، تنها انقلابی است که یک چله پرافتخار را بدون خیانت به آرمان‌هایش پشت سر نهاده و در برابر همه وسوسه‌هایی که غیرقابل مقاومت به نظر می‌رسیدند، از کرامت خود و اصالت شعارهایش صیانت کرده» است (بیانیه مهم و راهبردی رهبر معظم انقلاب با عنوان گام دوم در چهلمین سال پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

۸. علم و فناوری: پیشرفت علمی، زمینه‌ساز توسعه اقتصادی، فرهنگی و سیاسی است. امروزه بر خلاف گذشته، کشوری قوی‌تر است که از لحاظ تولید علم قدرتمندتر باشد. تنها داشتن منابع اولیه و جمعیت یا مساحت سرزمین باعث قدرتمندی یک کشور نمی‌شود (جعفری پناه و میراحمدی، ۱۳۹۱: ۱۱۰). امروزه سلاح اصلی کشورها و زبان رقابت آن‌ها دانش است که در هیچ محدوده جغرافیایی محدود نمی‌شود. دانش و تولید علم، بیانگر قدرت نرم‌افزاری یک کشور است. پیشرفت فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات بر قدرت تأثیرگذار بوده است (نای، ۱، ۲۰۰۷: ۱۵۴). با الهام‌گیری از اسناد بالادستی و بهره‌گیری از ارزش‌های بنیادین استخراج‌شده و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز علم و فناوری در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی تبیین شود؛ در این چشم‌انداز، «جمهوری اسلامی ایران با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایی تمدن نوین اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام‌بخشی در جهان، کشوری برخوردار از انسان‌های صالح، فرهیخته، سالم و تربیت‌شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندانی در تراز برترین‌های

جهان، توانا در تولید و توسعه علم، فناوری و نوآوری و به‌کارگیری دستاوردهای آن و پیش‌تاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان» خواهد بود (نقشه جامع علمی کشور، ۱۳۸۹: ۶-۵).

۹. عدالت محوری: عدالت‌خواهی از اهداف و هنجارهای مهم گفتمان انقلاب اسلامی است، «تحقق آرمان‌های اسلامی» قانون اساسی که می‌توان آن را در ذیل هنجار کلی بحث عدالت اسلامی است؛ در این رابطه بند نهم از اصل سوم قانون اساسی، دولت جمهوری اسلامی ایران را موظف کرده است تا در راه تحقق اصل عدالت اسلامی تمامی تلاش خود را به کار بندد و در این راه از هیچ کوششی فروگذار نکند؛ علاوه بر این اصل، اصل نوزدهم که راجع به عدالت در امور اجتماعی است، اصل بیستم که راجع به عدالت در اجرای قانون اساسی است و اصل صد و پنجاه و ششم که راجع به عدالت در احکام قضایی است، از اصول دیگری هستند که می‌توان آن‌ها را در ذیل هنجار عدالت‌خواهی و عدالت‌گستری در نظام جمهوری اسلامی ایران جای داد (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۸). جمهوری اسلامی در راستای رهبری منطقه‌ای عدالت‌خواهی را فرا وطنی ترسیم کرده و عدالت را برای منطقه و جهان اسلام دنبال می‌کند. ایران عدالت‌گستری و عدالت‌خواهی را نه تنها برای جهان اسلام بلکه برای کل جهان بشریت می‌خواهد (رمضانی، ۱۳۸۶: ۶۳)؛ و از این جهت ایران خود را به عنوان کشور عدالت‌خواه و عدالت‌جو به جامعه بین‌الملل معرفی کرده است؛ خود را پیشگام و پیش‌قراول جبهه حق علیه باطل و اسلام در برابر کفر می‌داند؛ هرگونه بی‌عدالتی را جایز ندانسته و با آن مبارزه می‌کند (رسولی ثانی آبادی، ۱۳۹۱: ۱۸۹ و محمدی، ۱۳۸۷: ۲۳۴). مقصود از عدالت محوری در رهبری منطقه‌ای ایران، بسط عدالت و فرصت برای کشورهای منطقه است که تسخیر قلوب مردم/ملت‌ها است (newyork times, 2007).

۱۰. نفی سبیل، سلطه نپذیرفتن و سلطه نگرفتن: در اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ از فصل دهم قانون نیز صراحتاً به جمهوری اسلامی ایران تأکید شده تا روابط خارجی خود را بر اساس نفی هرگونه سلطه‌پذیری و سلطه‌جویی استوار کند و از هرگونه قراردادی که موجب سلطه بیگانگان بر منابع طبیعی و اقتصادی، فرهنگی و دیگر شئون کشور گردد، اجتناب نماید (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲). اصول ۱۵۲ تا ۱۵۴ قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی هرگونه سلطه بیگانگان

را مردود می‌داند (قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی ایران). در شاخص دیپلماسی خود را مقابله با رفتار جهانی نظام سلطه و خروج از قاعده سلطه‌گر و سلطه‌پذیر می‌دانیم (بیانات رهبری در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران ۸۶/۰۵/۳۰).

۱۱. امت واحده در جهت تشکیل حکومت عدل جهانی: یکی از اهداف مهمی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به آن اشاره شده است، تلاش در جهت تشکیل امت واحد اسلامی و وحدت مسلمانان است؛ در این رابطه می‌توان به اصل یازدهم قانون اساسی اشاره کرد که وظیفه دولت جمهوری اسلامی ایران را در این مورد چنین برشمرد «ان هذ ه امتکم واحده و انا ربکم فاعبدون»؛ به حکم آیه کریمه همه مسلمانان یک امت هستند؛ بنابراین جمهوری اسلامی در این جهت تلاش می‌کند؛ در مقدمه قانون اساسی نیز بیان شده که با توجه به محتوای اسلامی انقلاب ایران، دولت می‌بایست زمینه تداوم این انقلاب را در خارج فراهم کند؛ و به‌ویژه در گسترش روابط بین‌الملل با دیگر جنبش‌های اسلامی بکوشد تا راه تشکیل یک امت واحد اسلامی را فراهم کند (مدنی، ۱۳۷۰: ۴۳۲). رهبران جمهوری اسلامی ایران بر اساس برداشتی که از جایگاه و موقعیت کشورشان دارند، این دولت را به عنوان مرکز و ثقل این دارالاسلام می‌دانند که می‌تواند رهبری امت اسلامی را بر عهده بگیرد (فیرحی، ۱۳۸۹: ۲۳۰).

تأکید بر اصول فوق در سیاست خارجی جمهوری اسلامی، با توجه به آنکه این اصول در میان ملت‌های منطقه و بسیاری از آزادی‌خواهان جهان از جذابیت و پذیرش بالایی برخوردار است، ایران را از نگاه ملت‌ها به یک بازیگر کلیدی و مهم در جهان اسلام تبدیل کرده است. در مجموع می‌توان بعد نظری قدرت نرم نظام اسلامی در عرصه‌ی سیاست خارجی را ناشی از احساس مسئولیت نسبت به نوع بشر دانست؛ بر مبنای همین بینش، اصل ۱۵۴ قانون اساسی تأکید می‌کند نظام جمهوری اسلامی سعادت انسان در کل جامعه بشری را آرمان خود می‌داند و استقلال و آزادی و حکومت حق و عدل را حق همه مردم جهان می‌شناسد (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۳۹).

۱۲. ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی: بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران تأکید داشت ما آن‌طور نیستیم که وقتی زور پیدا کردیم، با قلدری بخواهیم در یک کشور دیگری دخالت کنیم. ظلم و

تجاوز و تعدی در قاموس فرهنگ اسلامی جایگاهی ندارد (امام خمینی، ۱۳۷۹: ج ۱۶)؛ وجود این اصل، جذابیت خاصی به سیاست خارجی نظام اسلامی بخشیده؛ و توجه به این موضوع که کشور ایران با الهام از دستورهای اسلامی در طول قرن‌ها، نه به هیچ کشوری تجاوز نموده و نه تسلیم متجاوزان گردیده است، قدرت منطقه‌ای ایران را به‌ویژه نزد ملت‌های مظلوم و آزاده جهان نمایان می‌سازد (ملکزاده، ۱۳۹۴: ۱۳۸-۱۴۱).

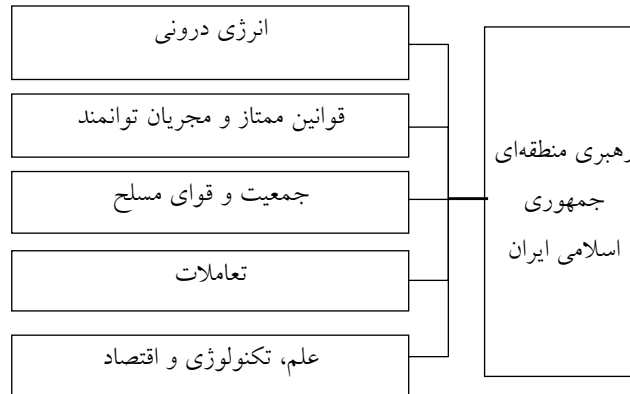
اولین پیش‌شرط لازم برای هر قدرت منطقه‌ای یا قدرتی که در پی ایفای نقش رهبری منطقه است، این است که دولت مدعی، به انحاء مختلف، تمایل و قابلیت خود را برای ایفای چنین نقشی نشان دهد. دو عرصه‌ای که ورود فعالانه دولت مدعی به آن‌ها اهمیت اساسی دارد عبارت‌اند از اقتصاد و امنیت. دولت مدعی باید نشان دهد ثبات و امنیت منطقه برایش مهم است و در این راستا حاضر است هزینه کند؛ همچنین باید نشان دهد رشد، شکوفایی و توسعه اقتصاد منطقه اهمیت اساسی دارد و حاضر است برای ایجاد نهادهای لازم فعالانه تلاش کند؛ به عبارت دیگر قدرت منطقه‌ای باید به طور خیرخواهانه نشان دهد آماده رهبری تثبیت امنیت و رشد اقتصاد کشورهای منطقه است؛ هرچه ساز و کارهای توجیه‌کننده موقعیت قدرت منطقه‌ای قابل‌پذیرش باشد و بتواند رضایت بیشتری جلب کند، قلمرو نفوذش گسترده‌تر خواهد شد.

منابع قدرت به دو دسته مادی و معنوی قابل تفکیک‌اند. زمانی که صحبت از منابع مادی می‌شود شاید در ابتدا توان نظامی به ذهن متبادر شود؛ اما واقعیت این است که توان نظامی خود تحت تأثیر منابع اساسی‌تری چون توان اقتصادی، قابلیت‌های علمی - فنی، شرایط جمعیت شناختی و مشخصه‌های جغرافیایی است؛ در این میان به‌ویژه نقش توان اقتصادی مهم است. هرچه شاخص‌های رشد و توسعه اقتصادی کشور قوی‌تر باشد، پشتوانه محکم‌تری برای قدرت دولت فراهم خواهد بود. برای تقویت و رقابت پذیرتر ساختن اقتصاد باید بخش صنعت به رشد قابل قبولی رسیده باشد. دو شاخص مهمی که در ارزیابی اقتصاد اهمیت بسیاری دارند؛ عبارت‌اند از میزان رشد تولید ناخالص داخلی و به تبع آن، درآمد سرانه و سطح برابری؛ در نتیجه با اقتصاد قوی و توسعه‌یافته، شرایط مناسب‌تری برای فراهم‌سازی منابع امنیتی و در رأس آن امکانات نظامی ایجاد خواهد شد؛ در حوزه منابع معنوی نیز، متغیرهایی چون

مشروعیت و ثبات سیاسی، فرهنگ سیاسی و اجتماعی حاکم بر کشور مورد توجه قرار می‌گیرند. دولتی که در پی اعمال قدرت بر دیگران است، باید به اعمال قدرت خود مشروعیت دهد. برای جلب مشروعیت، صرف منابع مادی کافی نیست؛ بلکه سیاست خارجی چنین دولتی باید حاوی مضامین اخلاقی و فرهنگی جذاب باشد. باید به دیگران اطمینان داده شود که نظامی که به دنبال آن هستیم، عادلانه و مبتنی بر منافع همگانی است. دولتی که خود ساختار سیاسی غیرعادلانه و مستبدانه دارد، نمی‌تواند حامل مناسبی برای این شعارها باشد. ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی باید به گونه‌ای معرفی شوند که برای دیگران قابل قبول و معتبر تلقی شوند؛ البته منابع معنوی کشور فراتر از این موارد است و حتی عناصری چون سمبل‌ها و مشخصه‌های روحی - روانی قدرت منطقه‌ای را در بر می‌گیرند؛ مجموع این‌ها که منابع قدرت نرم را تشکیل می‌دهند، اگر باعث حسن شهرت و اعتمادپذیری دولت مدعی شوند، به اعمال قدرت آن مشروعیت می‌بخشند (قنبرلو، ۱۳۸۸: ۵۷-۵۸).

بر اساس چنین شرایطی ایران تلاش مؤثری برای اجرایی‌سازی استراتژی تعامل سازنده با کشورهای منطقه باید ایفا کند. به هر میزان تأثیرگذاری منطقه‌ای ایران افزایش یابد، زمینه برای حداکثرسازی قدرت ملی و کاهش تهدیدات امنیتی فراروی ایران به وجود خواهد آمد (جعفری و قاسمی، ۱۳۹۳: ۱۱). با توجه به ویژگی‌های سیاسی، امنیتی و فرهنگی منابع قدرت ایران، سیاست منطقه‌ای این کشور همواره متأثر از دو مؤلفه مهم ژئوپلیتیک و جهت‌گیری ایدئولوژیک بوده است (جهانبین و پرتو، ۱۳۹۱: ۲۰).

مدل مفهومی تحقیق



نمودار ۱: مدل مفهومی تحقیق

روش‌شناسی تحقیق

در این پژوهش بر اساس بررسی ادبیات تحقیق، مجموعه‌ای از عوامل جهت ترسیم مدل مفهومی استخراج شده است؛ روش تحقیق ترکیبی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است. برای دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده، ابتدا این عوامل از طریق مصاحبه‌های نیمه ساختاریافته با ۹ نفر از خبرگان دانشگاهی و صاحب‌نظران مسائل منطقه‌ای اصلاح‌گردد؛ در طی انجام مصاحبه‌ها، یک عامل دیگر نیز به مجموعه عوامل استخراج شده از ادبیات اضافه گردید که عبارت است از: «عامل تعاملات»؛ سپس مجموعه عوامل در پرسشنامه‌ای مشتمل بر ۲۵ پرسش تنظیم و در هر پرسش میزان اهمیت هر یک از شاخص‌ها با استفاده از طیف لیکرت مورد آزمون قرار گرفت؛ در مجموع ۶۵ نفر از مدیران و پژوهشگران مراکز تحقیقاتی ستقر در دانشگاه‌ها به تکمیل این پرسشنامه مبادرت نمودند. برای بررسی نتایج پرسشنامه با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۰ ضریب آلفای کرونباخ سنجیده شد و آزمون‌های تی، کلموگروف - اسمیرنف و تحلیل عاملی اکتشافی بر روی داده‌ها صورت گرفت. نتیجه به‌کارگیری آزمون کلموگروف - اسمیرنف نشان داد، از آنجا که مقدار پی برای همه سؤالات بیش از ۰/۰۵ بود، می‌توان از آزمون‌های پارامتریک استفاده کرد. نتایج آزمون تی در جدول (۱) ارائه شده است. داده‌های جدول (۱) نشان می‌دهد که مقادیر معنی‌داری یک دنباله

برای تمامی متغیرها از پنج درصد کمتر است؛ از این نتیجه می‌توان چنین دریافت که میانگین هر یک از متغیرها اختلاف معناداری با عدد سه دارد. اعداد موجود در ستون تی و با توجه به اینکه علامت تمام اعداد در این ستون مثبت است، نشان می‌دهد که میانگین تمام متغیرها بزرگ‌تر از عدد سه است؛ ستون میانگین اختلاف، میزان این اختلاف را نمایش می‌دهد. در دو ستون پنجم و ششم، حد بالا و پایین فاصله اطمینان ۹۵ درصدی برای هر متغیر نمایش داده شده است؛ در اینجا مثبت بودن این مقادیر نشان می‌دهد، میانگین این متغیرها تماماً از سه بیشتر است؛ با توجه به مطالب یادشده می‌توان گفت تأثیر عوامل معرفی شده به عنوان عوامل رهبری منطقه‌ای ایران از نگاه فعالان در مراکز تحقیقاتی قابل تأیید است؛ این امر نشان می‌دهد که عوامل استخراج شده از ادبیات می‌تواند به عنوان مؤلفه‌های اساسی در زمینه شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران مورد تأیید واقع گردد؛ بر این اساس به بررسی مدل ارائه شده با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی پرداخته خواهد شد.

جدول ۱: نتایج آزمون تی استیودنت

۹۵% Confidence Interval of the Difference		Sig.(۲-tailed)			شاخص	عامل
Upper	Lower	Mean Difference	Sig. (۲-tailed)	T		
۱/۸۴	۱/۳۲	۱/۶۵	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲	ایدئولوژی اسلامی	انرژی درونی
۱/۹۵	۱/۶۴	۱/۷۵	۰/۰۰۰	۱۱/۲۱	داشتن آرمان امت واحده	
۱/۴۵	۱/۰۲	۱/۳۲	۰/۰۰۰	۱۱/۴۱	عدالت‌خواهی	
۱/۲۴	۱/۰۱	۱/۱۲	۰/۰۰۰	۱۲/۲۵	انسجام ملی	
۱/۱۲	۰/۷۴	۰/۹۵	۰/۰۰۰	۱۴/۳۲	روحیه شهادت‌طلبی و ایثار	
۱/۱۶	۰/۸۴	۰/۹۹	۰/۰۰۰	۱۳/۹۸	سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی	قوانین ممتاز و مجریان توانمند
۱/۲۳	۱/۰۵	۱/۱۹	۰/۰۰۰	۱۵/۹۵	داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبار تیزی	
۱/۷۳	۱/۴۱	۱/۶۶	۰/۰۰۰	۱۴/۶۵	وجود رهبری انقلابی و تحولی	
۱/۶۷	۱/۲۳	۱/۵۷	۰/۰۰۰	۱۶/۹۵	حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش	

۱/۱۵	۰/۹۴	۱/۰۲	۰/۰۰۰	۹/۹۵	داشتن سابقه دفاع مقدس	
۱/۴۸	۱/۱۲	۱/۳۳	۰/۰۰۰	۱۰/۹۸	وجود فرماندهان مجرب و انقلابی	
۰/۹۸	۰/۶۴	۰/۸۷	۰/۰۰۰	۱۰/۴۵	داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی	جمعیت و قوای مسلح
۱/۶۴	۱/۳۴	۱/۵۵	۰/۰۰۰	۱۴/۷۴	قدرت موشکی ایران	
۱/۳۷	۱/۱۳	۱/۲۸	۰/۰۰۰	۹/۳۲	داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه	
۱/۱۹	۰/۹۷	۱/۰۹	۰/۰۰۰	۸/۴۹	داشتن جمعیت جوان و تحصیل کرده	
۱/۶۱	۱/۲۸	۱/۵۱	۰/۰۰۰	۸/۷۷	داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی	
۱/۰۳	۰/۶۵	۰/۸۴	۰/۰۰۰	۸/۵۴	توسعه دانش	علم، فناوری و اقتصاد
۱/۴۱	۱/۲۲	۱/۳۵	۰/۰۰۰	۱۱/۵۷	حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان	تعاملات
۱/۳۳	۱/۱۱	۱/۲۱	۰/۰۰۰	۱۱/۵۲	حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق	
۰/۸۹	۰/۶۴	۰/۸۲	۰/۰۰۰	۱۱/۵۵	تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن	
۱/۱۱	۰/۸۷	۱/۰۱	۰/۰۰۰	۱۲/۴۶	برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه	
۱/۳۱	۱/۱۲	۱/۲۰	۰/۰۰۰	۱۳/۸۸	تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی مردمی	
۱/۳۹	۱/۱۸	۱/۳۰	۰/۰۰۰	۱۱/۶۶	تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه	
۱/۳۲	۱/۱۱	۱/۲۴	۰/۰۰۰	۱۳/۶۹	توانمندی هسته‌ای	
۱/۲۹	۰/۹۴	۱/۰۷	۰/۰۰۰	۱۳/۸۲	پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن	

در این تحقیق برای تهیه یک پرسش‌نامه معتبر و دستیابی به مؤلفه‌ها و شاخص‌های مورد استفاده در تنظیم این پرسش‌نامه از خبرگان استفاده شده است؛ بنابراین اولین جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی است که در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبایی، علوم تحقیقات و امام حسین (علیه‌السلام) مشغول خدمت بوده، حداقل دارای سه مقاله علمی-پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت و سابقه سه سال تدریس در یکی از دانشگاه‌های حوزه غرب آسیا هستند؛ دومین جامعه آماری کلیه مدیران و پژوهشگران مراکز پژوهشی تهران بودند که با استفاده از نمونه‌گیری غیراحتمالی هدفمند تعداد ۶۵ نفر از مدیران و پژوهشگران این مراکز تحقیقاتی انتخاب شده و پرسش‌نامه در بین آن‌ها توزیع شده است.

بررسی ضریب آلفای کرونباخ در جهت تأیید پایایی پرسشنامه‌های توزیع شده صورت پذیرفت که کسب ضریبی بالاتر از ۰/۸۵، در این تحلیل بیان می‌کند که پرسشنامه از پایایی مطلوب برخوردار است. برای سنجش گایی تعداد دوازده پرسش‌نامه در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت؛ روایی صوری یا محتوایی پرسشنامه نیز با استفاده از نظر خبرگان تأیید شد؛ استفاده از آزمون کلموگروف - امسرنف در این پژوهش نشان می‌دهد که برای سنجش میزان اهمیت هر یک از عوامل می‌توان از آزمون تی استفاده نمود؛ این آزمون نشان می‌دهد که هر یک از شاخص‌ها از نگاه خبرگان تحقیق تا چه اندازه دارای اهمیت هستند و این امر با توجه به محاسبه میانگین نتایج حاصل از تکمیل پرسشنامه‌های مربوط صورت می‌پذیرد. برای بررسی مدل ارائه شده بر روی نتایج پرسشنامه، تحلیل عاملی اکتشافی صورت گرفت؛ این پژوهش در تحلیل عاملی اکتشافی به دنبال بررسی داده‌های تجربی به منظور کشف و شناسایی شاخص‌ها و نیز روابط بین آن‌ها است. در تحلیل عاملی اکتشافی، از پیش مدل معینی وجود ندارد؛ به بیان دیگر تحلیل عاملی اکتشافی علاوه بر آنکه ارزش تجسسی یا پیشنهادی دارد، می‌تواند در جهت ساخت مدل نیز مورد توجه استفاده قرار گیرد؛ این نوع تحلیل وقتی به کار می‌رود که پژوهشگر شواهد کافی قبلی برای تشکیل فرضیه درباره تعداد عامل‌های زیربنایی داده‌ها نداشته باشد.

پژوهش حاضر از نوع بنیادی و روش پژوهش کمی - کیفی (تلفیقی) است؛ بدین صورت که ابتدا با استفاده از روش دلفی و مراجعه به خبرگان شاخص‌های تأثیرگذار بر رهبری منطقه - ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی گردید و با استفاده از روش تحلیل عاملی اکتشافی با عناصر اصلی و چرخش متعامد از نوع واریماکس اعتبار یابی این شاخص‌ها انجام گرفت. جامعه آماری این پژوهش تمام شمار بوده و شامل کلیه خبرگان دانشگاهی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت دولتی است که در دانشگاه‌های تهران، علامه طباطبائی، علوم تحقیقات و امام حسین (علیه‌السلام) مشغول خدمت بوده، حداقل دارای سه مقاله علمی - پژوهشی در حوزه مطالعات منطقه‌ای و مدیریت و سابقه سه سال تدریس در یکی از دانشگاه‌های حوزه غرب آسیا هستند. بر اساس بررسی محقق حجم جامعه تحقیق، تعداد سیزده نفر خبره است که به روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند؛ در مرحله اول با مرور مبانی نظری و پژوهش‌های پیشین، شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران مورد بررسی قرار گرفتند؛ در مرحله دوم پس از بررسی پیشینه پژوهش، پرسشنامه‌ای متشکل از تعداد ۲۹ شاخص در اختیار خبرگان تحقیق قرار گرفت و از آن‌ها خواسته شد میزان موافقت خود را با هر شاخص در خصوص تأثیرگذاری بر رهبری منطقه‌ای ایران اعلام نمایند؛ پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌ها و تحلیل پاسخ‌های خبرگان تعداد ۲۵ شاخص که بیشترین موافقت (تأثیر) را در رهبری منطقه‌ای داشت و در تبیین موضوع از فراوانی بیشتری برخوردار بود شناسایی گردید؛ در مرحله سوم به منظور تشخیص اینکه کدام شاخص رهبری ابعاد اصلی رهبری منطقه‌ای را تشکیل می‌دهد و برای اعتباریابی کمی شاخص‌های به دست آمده، دوباره پرسشنامه‌ای با ۲۵ سؤال و بر اساس طیف لیکرت پنج گزینه‌ای (کاملاً موافق (۵)، موافق (۴)، بی‌نظر (۳)، مخالف (۲) و کاملاً مخالف (۱)) نمره‌گذاری شده و در اختیار خبرگان پژوهش قرار گرفت. قبل از توزیع پرسشنامه ضریب پایایی مجموعه سؤال‌ها محاسبه شد و ضریب پایایی پرسش‌نامه ۲۵ سؤال، ۰/۸۵ به دست آمد.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

پرسش‌نامه این پژوهش از نوع محقق ساخته است؛ و در نتیجه برای بررسی اعتبار سازه پرسشنامه از روش تحلیل عاملی اکتشافی استفاده شد؛ تا سؤالاتی که دارای اعتبار کافی هستند شناسایی شوند و بتوان سؤالات پرسشنامه را در چند عامل خلاصه کرد و گروه‌بندی مناسبی برای سؤالات پرسشنامه ارائه داد. تحلیل عاملی برای ایجاد ارتباط بین متغیرهای مشاهده شده و تعداد کمتری از متغیرهای مفهومی زیرین طراحی شده است. تحلیل عاملی، سنجه‌های مشاهده شده را برحسب عوامل مشترک (مشاهده نشده) به اضافه واریانس یکتا نشان می‌دهد؛ روابط بین عوامل مشاهده نشده و سنجه‌های مشاهده شده تحت عنوان وزن (برای مثال وزن-های رگرسیون) که عامل‌های را به سنجه‌ها ارتباط می‌دهند، تعریف می‌شوند؛ به عبارت دیگر تحلیل عاملی اکتشافی، چرخه‌ای را برای حرکت از مدل مسیر مبتنی بر «سنجه واحد برای هر سازه» بر چند سنجه برای هر سازه یا مدل مسیر چندمعرفه فراهم می‌سازد؛ از این طریق می‌توان متغیرهای نظری مورد توجه را در تحلیل مسیر آزمون کرد؛ در این حالت متغیرها به عنوان عامل محسوب می‌شوند و برای هر سازه چند سنجه وجود دارد که این عامل سبب بهبود سنجش سازه‌ها می‌شود (مارویاما، ۱۳۸۹: ۱۷۵).

تحلیل عاملی روش ریاضی پیچیده‌ای برای تقلیل مجموعه بزرگی از متغیرها به مجموعه کوچک‌تری از متغیرهای اساسی است که عامل خوانده می‌شوند. هدف اساسی در تحلیل عاملی بررسی این امر است که بر اساس پاسخ افراد به پرسش‌ها می‌توان معدودی عوامل عام‌تر را مشخص کرد که شالوده پاسخ افرادند یا خیر (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۳). از تکنیک تحلیل عاملی اکتشافی برای تقلیل گویه‌های (شاخص‌های) رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و همچنین یافتن عوامل زیربنایی شاخص‌های یاد شده استفاده شد.

جدول ۲: مقادیر آزمون‌های KMO و بارتلت جهت تعیین عامل پذیر بودن شاخص‌های پرسشنامه

آزمون بارتلت		مقدار KMO
سطح معنی‌داری	مقدار خی دو تقریبی	
$P < .001$	۱۹۱۸۷٫۸۹	،۸۸۷

تحلیل عاملی به روش مؤلفه‌های اصلی بر روی ۲۵ گویه مقیاس شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران اجرا شد. چرخش صورت گرفته از نوع متعامد و به روش واریماکس انجام شد. مقدار آزمون KMO یا شاخص کفایت نمونه‌گیری، مقدار واریانس متغیرها را که تحت تأثیر عامل‌های پنهانی است می‌سنجد؛ دامنه این آماره بین ۰ تا ۱ است؛ چنانچه مقدار این آماره بیشتر از ۰/۷۰ باشد همبستگی‌های موجود به طور کلی برای تحلیل عاملی بسیار مناسب‌اند. اگر KMO بین ۰/۵۰ تا ۰/۶۹ باشد باید دقت زیادی به خرج دارد و مقادیر کمتر از ۰/۵۰ بدان معناست که تحلیل عاملی برای آن مجموعه از متغیرها مناسب نیست (دواس، ۲۵۶:۱۳۷۶). مقدار آزمون بارتلت، همانی بودن ماتریس همبستگی داده‌ها را به آزمون می‌گذارد و در واقع میزان عامل پذیر بودن داده‌ها را می‌سنجد و می‌باید کمتر از ۰/۰۵ باشد. در این پژوهش مقدار KMO برابر با ۰/۸۸۷ شده است و قابل قبول بوده و به این معناست که حدود ۸۹ درصد از واریانس این ۲۵ گویه تحت تأثیر عامل‌های پنهانی و بنیادی است؛ سطح معنی‌داری آزمون بارتلت نیز کمتر از ۰/۰۱ شده است ($P < ۰/۰۵$)؛ نتایج این دو آزمون نشان می‌دهد که انجام تحلیل عاملی بر روی ۲۵ شاخص امکان‌پذیر است و به بیان دیگر شاخص‌ها عامل پذیر هستند؛ بنابراین برای پاسخ‌گویی به سؤال پژوهش و بررسی تحلیل مؤلفه‌های اصلی، نخست پیش‌فرض‌های تحلیل عاملی بررسی شد؛ سپس قابلیت تحلیل عاملی از طریق آزمون کایزر، مایر، اولکین، به منظور کفایت داده‌ها و آزمون بارتلت برای کفایت نمونه پژوهش (۹ نفر نمونه از ۲۲ نفر جامعه، در سطح معناداری $P < ۰/۰۰۱$) محاسبه شد؛ با انجام این آزمون‌ها و معنادار شدن آن‌ها، صلاحیت انجام روش تحلیل عاملی احراز گردید؛ همچنین نمودار اسکری نشان داد که پس از اجرای سه چرخش از نوع واریماکس به منظور استخراج عوامل مناسب از نظر تعداد و محتوا و با توجه به مقدار ارزش ویژه بالاتر از یک و بار عاملی بالاتر از ۰/۵۰ درصد مشخص شد که پرسش‌نامه محقق ساخته شاخص‌های رهبری منطقه‌ای از پنج عامل (انرژی درونی)، عامل (جمعیت و قوای مسلح)، عامل (تعاملات)، عامل (قوانین ممتاز و مجریان توانمند) و عامل (علم، فناوری و اقتصاد) اشباع شده است و پنج عامل مذکور قابل استخراج است.

همان‌طور که در جدول (۱) نشان داده شده است، متغیر مستقل پژوهش به پنج عامل زیربنایی مفروض تقلیل یافته است. یافته‌های پژوهش مربوط به تعداد عامل‌های استخراج شده و واریانس آن‌ها در جدول (۳) نشان داده شده است:

جدول ۳: شاخص‌ها و عامل‌های متغیر مستقل

درصد واریانس تجمعی تعیین شده	درصد واریانس تعیین شده	ارزش ویژه	عامل‌ها شاخص‌ها
۱۶/۸۷	۱۶/۸۷	۱/۹۷	عامل اول
۴۱/۳۱	۱۴/۵۴	۱/۸۵	عامل دوم
۴۲/۷۴	۱۱/۳۳	۱/۸۲	عامل سوم
۵۲/۴۲	۹/۶۸	۱/۷۷	عامل چهارم
۶۰/۳۷	۷/۹۵	۱/۵۱	عامل پنجم

جدول (۳) تعداد عامل‌های استخراج شده را نشان می‌دهد؛ معیار تعیین تعداد عامل‌ها دو معیار است: الف) ارزش ویژه^۱ که می‌باید حداقل ۱- باشد؛ ب) وجود عامل‌هایی که دارای حداقل سه شاخص (گویه) باشند، است. دواس (۱۳۷۶) معتقد است که عامل‌هایی که مقدار ویژه آن‌ها بیشتر از یک (۳) باشد بهترین عامل‌ها هستند. در ارتباط به حداقل‌های شاخص‌های مرتبط با هر عامل باید گفت که لازم است هر عامل به وسیله تعداد معقولی از متغیرها نشان داده شود؛ این امر دست‌کم دو دلیل دارد: الف) ما می‌خواهیم ماهیت عامل را به روشنی بدانیم و هر اندازه متغیرهای بیشتری روی عامل بار داشته باشند؛ تفسیر ما بر اطلاعات بیشتری استوار خواهد بود؛ ب) اگر قصد داریم که خرده مقیاس‌هایی بر پایه ساختار عاملی ایجاد کنیم، به متغیرهای کافی نیاز داریم که با آن عامل همبستگی بالا داشته باشند؛ تا خرده مقیاس‌های ما از اعتبار قابل قبول برخوردار باشد. حداقل تعداد شاخص‌های هر عامل تعداد سه شاخص در نظر گرفته شد؛ همچنین حداقل میزان آماره مقدار ویژه عدد ۱ در نظر گرفته شد و انتخاب تعداد عامل‌ها بر اساس عامل‌هایی بود که مقدار ویژه بیشتر از یک دارند.

نتایج نشان می‌دهد که پنج عامل دارای مقدار ویژه بیشتر از یک بوده که دارای حداقل سه شاخص نیز هستند؛ این نتیجه بدین معناست که تعداد پنج عامل یا بعد زیربنایی از مجموع ۲۵

شاخص مؤثر بر شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شناسایی شده است. پنج عامل به دست آمده می‌توانند حدود ۶۰ درصد واریانس تمامی شاخص‌ها را تبیین نمایند که مقدار مناسبی برای واریانس تبیین شده کل تلقی می‌شود. عامل اول با درصد واریانس استخراج شده ۱۶/۸۷ درصد، مهم‌ترین عامل بوده است.

شایان ذکر است که تعداد زیادی از عامل‌های استخراج شده دارای مقدار ویژه بیشتر از یک بودند و در نتیجه برای تفسیر آسان‌تر نتایج، تنها عامل‌هایی انتخاب شدند که می‌توانستند حداقل پنج درصد از واریانس استخراج شده سؤالات را تبیین کنند؛ همچنین بررسی مدل عاملی با پنج عامل معقول‌ترین راه حل به نظر می‌رسد که در آن تمامی شاخص‌ها با بار عاملی مناسب در هر عامل قرار می‌گیرند و می‌توان از نظر مفهومی نیز عوامل را نام‌گذاری کرد؛ از جمله معیارهای اصلی در انتخاب تعداد عامل‌ها، انتخاب تعداد عاملی است که بیشترین واریانس تبیین شده را با کمترین تعداد عامل ایجاد کنند.

به طور خلاصه با توجه به ارزش‌های ویژه بالاتر از یک، پنج عامل قابلیت تعیین واریانس متغیر رهبر منطقه‌ای را دارند که در مجموع ۶۰/۳۷ درصد از واریانس را تبیین می‌کنند؛ بیشترین سهم را عامل اول با ۱۶/۸۷ درصد و کمترین را عامل پنجم با ۷/۹۵ درصد دارد؛ بر اساس تحلیل داده‌ها با روش مؤلفه‌های اصلی، پس از سه چرخش متعامد از نوع واریماکس به بهترین ترکیب ماده‌ای و ساختار عاملی به استخراج پنج عامل منجر شد؛ در این پژوهش از بارهای عاملی حداقل ۵۰ درصد استفاده شده است. برآورد مقدار ویژه هر عامل و مشخصات عامل‌های استخراج شده در جدول (۴) ارائه شده است:

جدول ۴: برآورد مقدار ویژه هر عامل و مشخصات عامل‌های استخراج شده

عامل‌ها					
شاخص‌ها	۱	۲	۳	۴	۵
ایدئولوژی اسلامی	۰/۹۴				
داشتن آرمان امت واحده	۰/۶۵				
عدالت‌خواهی	۰/۷۴				
انسجام ملی	۰/۷۵				
روحیه شهادت‌طلبی و ایثار	۰/۸۹				
سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی		۰/۹۵			

			۰/۹۱	داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبار‌ستیزی
			۰/۹۵	وجود رهبری انقلابی و تحولی
			۰/۹۵	حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش
			۰/۸۸	داشتن سابقه دفاع مقدس
			۰/۸۷	وجود فرماندهان مجرب و انقلابی
		۰/۹۴		داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی
		۰/۹۷		قدرت موشکی ایران
		۰/۷۴		داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه
		۰/۸۷		داشتن جمعیت جوان و تحصیل‌کرده
	۰/۷۷			داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی
	۰/۶۷			توسعه دانش
۰/۸۸				حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان
۰/۸۷				حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق
۰/۹۲				تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن
۰/۸۹				برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه
۰/۹۲				تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی
۰/۹۰				تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه
۰/۹۴				توانمندی هسته‌ای
۰/۸۹				پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن

همان‌طور که جدول (۴) نشان می‌دهد، شاخص‌های مربوط به ایدئولوژی اسلامی، داشتن آرمان امت واحده عدالت‌خواهی، انسجام ملی و روحیه شهادت‌طلبی و ایثار در عامل اول، شاخص‌های مربوط به سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی، داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و استکبارستیزی، وجود رهبری انقلابی و تحولی، حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش، داشتن سابقه دفاع مقدس و وجود فرماندهان مجرب و انقلابی در عامل دوم، شاخص‌های مربوط به داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، قدرت موشکی ایران، داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه و داشتن جمعیت جوان و تحصیل‌کرده در عامل سوم، شاخص‌های مربوط به داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی و توسعه دانش در عامل چهارم و شاخص‌های مربوط به حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان، حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق، تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن،

برچیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه، تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی، تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه، توانمندی هسته‌ای و داشتن حرف نو در عامل پنجم قرار گرفته‌اند.

آزمون t تک نمونه‌ای

در جدول (۳) با استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای به مقایسه میانگین متغیرها با مقدار متوسط و بررسی جایگاه متغیرها یا عوامل پرداخته شد؛ این آزمون نشان می‌دهد که هر متغیر یا عامل در چه وضعیت و جایگاهی از نظر میانگین و نمره قرار دارد. آزمون‌های آماری پارامتری برای یک گروه زمانی به کار می‌روند که قصد داشته باشیم میانگین یک نمونه را با یک میانگین مفروض و نظری مقایسه کنیم؛ این میانگین مفروض یا نظری می‌تواند یک مقدار معمول یا رایج، یک مقدار استاندارد و یا یک مقدار مورد انتظار باشد؛ به عبارتی زمانی که قصد داشته باشیم میانگین یک متغیر در پژوهش را با یک میانگین تعیین شده مقایسه کنیم از آزمون t تک نمونه‌ای بهره می‌گیریم (کریمی، ۱۳۹۴: ۲۲۲).

آزمون تی تک نمونه‌ای آزمونی است که در آن نمره به دست آمده برای هر عامل با مقدار استاندارد، معیار یا با مقداری به عنوان پیش‌فرض مقایسه می‌شود؛ در این پژوهش میانگین مؤلفه‌ها بین یک تا پنج است؛ و نمره متوسط (حد وسط نمره‌ها) مقدار سه است؛ در نتیجه میانگین عامل‌ها با مقدار ۳ مقایسه شد؛ چنانچه میانگین عامل‌ها به طور معنی‌داری بیشتر از مقدار سه باشد، نشان از تأثیرگذاری زیاد آن عامل بر رهبری منطقه‌ای دارد؛ چنانچه میانگین مؤلفه‌ای برابر یا نزدیک با مقدار سه باشد، نشان از تأثیرگذاری متوسط آن عام دارد؛ و چنانچه میانگین عاملی به طور معنی‌داری کمتر از مقدار سه شود، نشان از این دارد که تأثیر آن عامل بر رهبری منطقه‌ای نسبتاً کم است.

1. One-Sample T test

جدول ۵: آزمون تی تک نمونه‌ای برای مقایسه میانگین عامل‌ها با مقدار پیش‌فرض یا $(df=۳۸۳)$

عامل	میانگین	تفاوت میانگین	مقدار t	سطح معنی‌داری
عامل علم، فناوری و اقتصاد	۲,۷۰	-۰,۳۰	-۶,۲۵	< .۰۰۱
عامل قوانین کارآمد و مجریان توانمند	۳,۰۵	.۰۵	۱,۴۹	.۱۳۷
عامل انرژی درونی	۴,۲۰	۱,۲۰	۳۹,۰۵	< .۰۰۱
عامل جمعیت و نیروهای مسلح	۳,۷۳	.۷۳	۲۱,۵۴	< .۰۰۱
عامل تعاملات	۳,۸۷	.۸۷	۲۵	< .۰۰۱
نمره کل عوامل	۳,۲۶	.۲۶	۱۰,۵۸	< .۰۰۱

نتایج آزمون تی تک نمونه‌ای نشان داد که میانگین چهار عامل قوانین کارآمد و مجریان توانمند، انرژی درونی، جمعیت و نیروهای مسلح و عامل تعاملات با مقدار متوسط (۳) تفاوت آماری معنی‌داری دارد ($P < .۰۱$)؛ نتایج نشان می‌دهد که در سطح اطمینان ۹۹ درصد میانگین چهار عامل الف) قوانین کارآمد و مجریان توانمند؛ ب) انرژی درونی؛ ج) جمعیت و نیروهای مسلح؛ د) تعاملات به طور معنی‌داری بیشتر از مقدار متوسط است؛ که نشان می‌دهد از نظر پاسخگویان، این چهار عامل تأثیر نسبتاً زیادی بر رهبری منطقه‌ای و عمق‌بخشی جمهوری اسلامی ایران دارند. نتایج نشان داد میانگین عامل علم، فناوری و اقتصاد برابر با $۲/۷$ است که به طور معنی‌داری کمتر از مقدار متوسط است ($P < .۰۱$)؛ که نشان می‌دهد تأثیر عامل اقتصادی و علمی بر رهبری منطقه‌ای تأثیر نسبتاً کمی است؛ همچنین نتایج نشان داد که عامل «قوانین کارآمد و مجریان توانمند» تأثیر متوسطی بر رهبری منطقه‌ای دارد؛ سطح معنی‌داری برای عامل قانونی و اجرایی برابر با $۱/۳۷$ است؛ که نشان می‌دهد میانگین این عامل تفاوت معنی‌داری با مقدار متوسط ندارد.

عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در پرتو رهبری منطقه‌ای ایران

با عنایت به شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، تأیید و تصدیق داده‌های کمی درباره استعداد ایران برای قدرت منطقه‌ای را دارا است. به نظر می‌رسد نظام جمهوری اسلامی توانایی قدرت بزرگ منطقه‌ای را دارد. با در نظر گرفتن برخی امکانات

نظری و کمی می‌تواند بر عمق‌بخشی خارجی گفتمان انقلاب اسلامی اثر گذاشته و نقش‌آفرینی کند.

رشد و پیشرفت اقتصادی از مهم‌ترین ابزارهای قدرتمندی نظام و اینکه رسیدن جمهوری اسلامی به مقبولیت و مشروعیت است که در این زمینه انقلاب اسلامی با فقر، فساد، حمایت از تولید ملی و اقتصاد در صدر آن بوده که می‌تواند بر امنیت انقلاب اسلامی و عمق‌بخشی اثرگذار باشد.

اثرگذاری انقلاب اسلامی در منطقه زمینه‌تکلیف‌محوری، احساس مسئولیت در قبال تحولات منطقه، استقلال جمهوری اسلامی از قدرت‌های بزرگ بخصوص آمریکا و در مقابل وابستگی برخی قدرت‌های منطقه‌ای به غرب و آمریکا از جمله موارد احساس مسئولیت ایران (ملک‌زاده، ۱۳۹۴: ۱۴۷)؛ در نتیجه از طریق جذب قلوب مردم منطقه و عدم ابراز خصومت آشکار با دولت‌ها از مهم‌ترین موارد عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به شمار می‌آید.

نوع نگرش نظام برآمده از انقلاب اسلامی ایران، به قدرت نگاه بر اساس مکتب هدایت است و نگاه استکبار بر اساس نگاه و زور و ابزاری است؛ نوع تعامل انقلاب اسلامی با کشورهای منطقه و سایر دولت‌ها بر اساس اعتقادات و باورها است که مبتنی بر اصل «عزت»، «حکمت» و «مصلحت» است که چهره واقعی یک نظام الهی را نشان می‌دهد؛ این در حالی است که سایر کشورهای منطقه با وابستگی به غرب و آمریکا از قدرت و حاکمیت برداشت متفاوت دارند؛ که این موضوع سبب عمق‌بخشی انقلاب اسلامی در منطقه شده است.

از دیگر شاخصه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی، بیداری اسلامی یا دست‌کم ارتقاء و گسترش آن در منطقه بوده است. انقلاب اسلامی معادلات قدرت منطقه‌ای و بین‌المللی را تغییر داده و با ایجاد روحیه اعتماد به نفس ملی، روحیه شهادت و ظلم، سایر ملل را هوشیار و روح خفته آنان را بیدار کرده و به فطرت ذاتی برگرداند (خرمشاد، ۱۳۸۸: ۱۲۸). انقلاب اسلامی با ایجاد و تقویت خودباوری در ملت‌ها بر توان آنان برای مقابله با سلطه‌گری قدرت‌های بزرگ و تکیه بر پایداری و مقاومت در برابر استکبار گفتمان انقلابی خود را در فراسوی مرزها و در منطقه گسترش داده و تقویت کرد.

از دیگر نمونه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی افزایش اهمیت جغرافیای سیاسی شیعه در معادلات امنیتی - سیاسی خاورمیانه از دیگر دستاوردهای رهبری منطقه‌ای است؛ اهمیت آن، زمانی آشکار می‌شود که ایالات متحده مطالعه جغرافیای سیاسی را به عنوان یکی از اولویت‌های مطالعاتی خود تعریف کرده است (جمال‌زاده، ۱۳۹۱: ۸۰). در راستای عمق‌بخشی گفتمان انقلاب اسلامی، نخست فروپاشی نظام‌های سلطنتی و محافظه‌کار عرب در منطقه و بر پایایی نظام بر اساس مردم‌سالاری دینی و یا دست‌کم تلاش برای استقرار نمونه انقلاب اسلامی ایران در منطقه بوده است؛ و در بیداری اسلامی چنین اهدافی دنبال شده است (serfuty, 2011: p133)؛ تأثیر دیگر انقلاب اسلامی در عمق‌بخشی خارجی «دفاع همه‌جانبه» در برابر «تهاجم همه‌جانبه» قدرت‌های استکباری مطرح شد (کیوان حسینی، ۱۳۸۴: ۱۱). بسیج مردمی توسط بنیان‌گذار انقلاب اسلامی طرح شده و «مردمی سازی» مقاومت و حوزه امنیتی - دفاعی بوده است (پیرمحمدی، ۱۳۹۵: ۲۸)؛ امروزه نیز «حشد الشعبی» در عراق و بسیج مردمی در مقابل تکفیر و مقابله با تروریسم عناصر عمق‌بخشی خارجی انقلاب اسلامی است.

فرهنگ مقاومت، ایثار، جهاد و شهادت از مؤلفه‌های حیاتی مسلمانان است. امام خمینی مبدع فرهنگ مقاومت است (زرگر، ۱۳۹۷: ۴۷). امام خمینی می‌فرماید یک ملتی که می‌خواهد در مقابل همه قدرت‌ها بایستد، نمی‌خواهد سازش کند (امام خمینی، صحیفه نور، ج ۱۵، ۱۳۸۵: ۱۷).

مصادیقی از عمق‌بخشی انقلاب اسلامی بر اساس شاخصه‌های رهبری منطقه‌ای، خودباوری و احیای گفتمان مقاومت در برابر زیاده‌خواهی قدرت‌های بزرگ و سلطه‌گر بوده برای نمونه حزب‌الله لبنان، یمن امروزه از مصادیق عمق‌بخشی انقلاب اسلامی است؛ در گذشته نیز از هفته‌نامه «استیتر من» چاپ لندن نقل شده که ایران در عراق و افغانستان چنان تأثیری گذاشته است که هیچ‌گاه چنین نفوذ و قدرتی در منطقه نداشته است (پاشا قاسمی، ۱۳۸۵: ۱۱۵).

توسعه محور مقاومت و ایجاد وحدت بین مسلمین و در نتیجه ارتقا امنیت ملی به امنیت امت اسلامی، حمایت از آرمان‌های فلسطین و تضعیف جایگاه امنیتی رژیم صهیونیستی، برچیده شدن طومار تروریسم و داعش از عراق و سوریه علاوه بر امنیت منطقه سبب کسب

عزت بین‌المللی، ایستادگی و مقاومت انصارالله یمن در تقابل استکبار و تجاوز علی‌رغم پرداخت هزینه محور مقاومت (قاسمی، ۱۳۹۷ ب ۲۷ - ۲۸)، مبتنی بر حمایت مادی و معنوی جمهوری اسلامی از دیگر مصادیق عمق‌بخشی خارجی است.

پیش از انقلاب اسلامی ایران سیاست‌های بلوک شرق و غرب در سیاست‌زدایی از اسلام و اسلام‌زدایی از سیاست بود. با پیروزی انقلاب اسلامی تحول در چنین رویکردی در دنیا به وجود آمد و کارآمدی اسلام در عرصه سیاسی را نشان داد. امروزه، ژئوپلیتیک اسلام سیاسی در پرتو انقلاب اسلامی شکل گرفته (ر.ک: قاسمی، ۱۳۹۳: ۵-۳۱). اسلام سیاسی از مهم‌ترین تأثیرات انقلاب اسلامی در زمینه عمق‌بخشی انقلاب اسلامی است.

در مجموع وفاداری یک انقلاب به آرمان و گفتمان خود و اندیشه بنیان‌گذار انقلاب از مصادیق توانمندی و قدرت نظام برآمده از آن است؛ و از سوی دیگر استحاله نشدن گفتمان انقلابی در منش دولت، نظام سیاسی و ساختار نظام پدید آمده از مهم‌ترین شاخصه‌های پایداری انقلاب و عمق‌بخشی آن به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

هدف از این تحقیق تبیین و شناسایی شاخص‌های رهبری منطقه‌ای بر اساس تحلیل عاملی بود؛ بنابراین در این مقاله ضمن بیان شاخص‌های مؤثر در رهبری منطقه‌ای ایران تلاش شده است مدلی به عنوان یک مدل مفهومی در راستای دسته‌بندی شاخص‌های مؤثر بر رهبری منطقه‌ای ایران، ترسیم گردد. بر اساس مدل ارائه شده در این مقاله، پنج عامل به عنوان عوامل تأثیرگذار در رهبری منطقه‌ای ایران معرفی شده‌اند؛ که می‌توان آن‌ها را در پنج دسته، علم، فناوری و اقتصاد، قوانین کارآمد و مجریان توانمند، انرژی درونی، جمعیت و نیروهای مسلح و تعاملات جای داد؛ هر دسته با توجه به مفهوم و تعریف خاص خود معرف تعدادی از شاخص‌های مؤثر بر رهبری منطقه‌ای ایران است:

دسته اول با عنوان علم، فناوری و اقتصاد، شامل شاخص‌های داشتن معادن زیرزمینی و ظرفیت‌های طبیعی و توسعه دانش است.

دسته دوم با عنوان قوانین کارآمد و مجریان توانمند از شش شاخص تشکیل شده است؛ که عبارت‌اند از: سیاست نه شرقی، نه غربی و عدم وابستگی، داشتن ماهیت ظلم‌ستیزی و

استکبارستیزی، وجود رهبری انقلابی و تحولی، حمایت از نهضت‌های اسلامی و جنبش‌های آزادی‌بخش، داشتن سابقه دفاع مقدس و وجود فرماندهان مجرب و انقلابی. دسته دیگری در این پژوهش دسته عامل انرژی درونی است؛ این دسته با دربرگیری سه عامل ایدئولوژی اسلامی و انقلابی، داشتن آرمان امت واحده، عدالت‌خواهی، انسجام ملی و روحیه شهادت‌طلبی و اینار را در رهبری منطقه‌ای ج.ا. ایران مؤثر می‌داند. دسته چهارم جمعیت و نیروهای مسلح است که با داشتن شاخص‌هایی مانند داشتن موقعیت ممتاز جغرافیایی، قدرت موشکی ایران، داشتن رتبه اول در تولید ناخالص داخلی در منطقه و داشتن جمعیت جوان و تحصیل‌کرده بر رهبری منطقه‌ای ایران تأکید دارد. در انتها شاخص‌های حضور تأثیرگذار حزب‌الله در قدرت سیاسی لبنان، حضور تأثیرگذار حشدالشعبی در قدرت سیاسی عراق، تأثیرگذاری انصارالله در رهبری انقلاب یمن، برجیده شدن حاکمیت خود خوانده داعش در منطقه و سوریه، تأثیرگذاری در مسئله فلسطین و تحول از ناسیونالیستی به اسلامی و مردمی، تأثیرگذاری در اسلام سیاسی منطقه، توانمندی هسته‌ای و پیش‌روندگی انقلاب و پویایی آن با عنوان دسته تعاملات شاخص‌های رهبری منطقه‌ای ایران را تشکیل می‌دهند.

با عنایت به اینکه ایران به دلیل داشتن همسایگانی که همواره مورد توجه ابرقدرت‌ها بوده و هرازچندگاه موضوعاتی مورد منازعه بین آن‌هاست؛ به طور نمونه روسیه در طول تاریخ همواره در نظام جهانی تأثیرگذار بوده و دریای خزر و خلیج فارس و کشورهای تازه استقلال‌یافته آسیای میانه و منطقه قفقاز و منطقه غرب آسیا که تحولات این ممالک در آینده‌ای ایران بی‌تأثیر نبوده و قرار گرفتن رژیم جعلی صهیونیستی در این منطقه بر اهمیت مسائل منطقه‌ای افزوده است. موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواستراتژی یک، ژئوکالچر، ژئواکونومیک، وسعت سرزمین و جمعیت جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین شاخصه‌های اثرگذاری در قدرت منطقه‌ای است که با انقلاب اسلامی موضوع «ایدئولوژیک» به «ژئوپلیتیک» نیز افزوده شده است.

این پژوهش با تمرکز بر حوزه رهبری منطقه‌ای، اساس کار را بر این فرض نهاده است که اولاً برای رهبری منطقه‌ای، مجموعه‌ای از ویژگی‌های روان‌شناختی خاص مورد احتیاج است؛

در ثانی استفاده از پرسش‌نامه‌های محقق‌ساخته از جنبه کاربردی در ارزیابی وضعیت رهبری منطقه‌ای می‌تواند مؤثر باشد؛ در نتیجه پژوهشگران درصدد شناسایی سازه‌های اصلی مرتبط با رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از طریق تحلیل عوامل بوده است. نتایج پژوهش بر پایه روش تحلیل عاملی اکتشافی نشان داد ۲۵ سازه در پنج عامل کلی رهبری منطقه‌ای دسته‌بندی شدند: عامل اول انرژی درونی؛ عامل دوم قوانین ممتاز و مجریان توانمند؛ عامل سوم قوای مسلح، جمعیت؛ عامل چهارم علم، فناوری و اقتصاد؛ و عامل پنجم تعاملات (میزان تأثیرگذاری در ملت‌ها)؛ این عامل‌ها در مجموع ۶۰/۳۷ درصد از واریانس رهبری منطقه‌ای را تبیین می‌کنند و هر پنج عامل به عنوان راهبردهای تسهیل‌فرایند رهبری منطقه‌ای و گسترش آن به عنوان یکی از ابعاد اصلی عمق‌بخشی منطقه‌ای از نظر خبرگان پژوهش محسوب می‌شوند. نتایج در مورد اهمیت سازه‌های رهبری مرتبط با عمق‌بخشی با پژوهش و یافته‌های (مقاله نشانه‌های الهام‌بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی، فصلنامه سیاست) همسو است؛ در تبیین این یافته‌ها باید اشاره کرد که ۶۰/۳۷ درصد از واریانس رهبری منطقه‌ای به وسیله پنج عامل مذکور تبیین می‌شود؛ که با توجه به تحولات جهانی و منطقه‌ای و پیچیدگی‌های امروز دنیای اسلام، عوامل متعدد دیگری از جمله بیداری مسلمانان به خصوص جوانان منطقه، در امر رهبری منطقه‌ای مؤثر هستند، پیشنهاد می‌گردد با توجه به فرایندی بودن رهبری در راستای عمق‌بخشی انقلاب اسلامی ایجاد ائتلاف و اتحاد منطقه‌ای از مهم‌ترین عوامل تأثیرگذاری بوده است، در تبیین تأثیرات رهبری منطقه‌ای باید مزاحمت‌های منطقه‌ای و فرامنتقه‌ای را در جهت عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به حداقل رساند. یافته‌ها نشان می‌دهد مقبولیت منطقه‌ای ایران مهم‌ترین تأثیر را در عمق‌بخشی انقلاب اسلامی به خود اختصاص داده است.

منابع

فارسی

۱. اسپوزیتو، جان (۱۳۷۸)، انقلاب ایران چشم‌انداز ده‌ساله، مترجم نورالله قیصری، نامه پژوهش، شماره ۱۲ و ۱۳، بهار و تابستان.
۲. بیکی، مهدی (۱۳۸۹)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، مطالعه موردی لبنان، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
۳. پاشا قاسمی، علی (۱۳۸۵)، جنگ ۳۳ روزه و جایگاه منطقه‌ای ایران، فصلنامه مطالعات منطقه‌ای جهان اسلام، سال هفتم، شماره ۲۶-۲۷، تابستان و پاییز.
۴. پیر محمدی، سعید (۱۳۹۵)، شاخص‌های قدرت نرم دیپلماسی جمهوری اسلامی ایران، مجله سیاست دفاعی، سال بیست و چهارم، شماره ۹۵، تابستان، صفحات ۰۹-۳۴.
۵. جعفری، سیداصغر و قاسمی، علیرضا (۱۳۹۳)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال بیداری اسلامی، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال سوم، شماره ۱۰، صص ۷۴-۵۳.
۶. جمال‌زاده، ناصر (۱۳۹۱)، قدرت نرم انقلاب اسلامی ایران و نظریه‌ی صدور فرهنگی انقلاب، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۴.
۷. جهان‌بین، فرزاد و پرتو، فتح اله (۱۳۹۱)، راهبرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قبال جنبش بیداری اسلامی اخیر، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال اول، شماره ۳، صص ۱۴۳-۱۱۷.
۸. خرمشاد، محمدباقر (۱۳۸۸)، قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران، تهران: امام صادق (علیه‌السلام).
۹. خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸)، صحیفه نور، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
۱۰. درخشه جلال، مصطفی غفاری (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی جمهوری اسلامی ایران و جهان اسلام، فصلنامه مطالعات فرهنگ و ارتباطات، سال دوازدهم، شماره ۱۶.
۱۱. دواس، دی ای (۱۳۷۶). پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نابی، تهران: نشر نی.
۱۲. دوثرتی، جیمز و فالتر گراف (۱۳۸۳)، نظریه‌های متعارض در روابط بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: قومس.
۱۳. دهشیری، محمدرضا (۱۳۸۰)، درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی (ره)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۱۴. دهشیری، محمدرضا و محسن رضائی جعفری (۱۳۹۳)، نو منطقه‌گرایی در سیاست خارجی ایران، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست جهانی، دوره سوم، شماره دوم، تابستان، صفحات ۱۹۱ تا ۲۲۵.
۱۵. دهقانی فیروزآبادی، جلال (۱۳۸۹)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: سمت.
۱۶. ربیعی، حسین (۱۳۹۶)، ایران و راهبردهای دست‌یابی به رهبری منطقه‌ای، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، سال پنجم، شماره شانزدهم، بهار، صفحات ۱۱۷-۱۳۶.

۱۷. رحمانی، هما (۱۳۹۴)، نشانه‌های الهام بخشی در رهبری منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق علوم سیاسی، دوره ۴۴، شماره ۳، پاییز، صفحات ۴۸۳-۵۰۲.
۱۸. رسولی ثانی آبادی، الهام (۱۳۹۱)، بررسی هویت نظام جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه‌انگاری، فصلنامه علمی - پژوهشی علوم سیاسی، سال پانزدهم، شماره پنجاه هشتم، تابستان، صفحات ۱۷۸-۲۰۰.
۱۹. رضائی، روح اله (۱۳۸۶)، چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی جمهور اسلامی ایران، تهران: نی.
۲۰. زرگر، علیرضا (۱۳۹۷)، واکاوی تأثیر گفتمان سیاست اسلامی امام خمینی (ره) بر روشنگری اسلامی، پژوهشنامه متین، سال بیستم، شماره ۷۸، بهار، صفحات ۳۳-۵۲.
۲۱. ساعد، نادر (۱۳۸۹)، دیپلماسی، تأملی شناختی و کاوش در مبادی، فصلنامه راهبرد دفاعی، سال هشتم، شماره ۲۲، زمستان.
۲۲. سلیمانی، فاطمه (۱۳۹۰)، تأثیر فرهنگ سیاسی ایرانیان بر فرهنگ راهبردی: در عسگری محمود، فرهنگ راهبردی جمهوری اسلامی، نامه دفاع، مرکز تحقیقات راهبرد دفاعی، شماره ۲۶.
۲۳. سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، تاریخ ۱۲ آبان ۱۳۸۲.
۲۴. عطایی فرهاد و سایر نویسندگان (۱۳۹۰)، دیپلماسی عمومی و قدرت نرم، ایران و آمریکا در عراق جدید، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۱، شماره ۳.
۲۵. علیادادی، شهربانو (۱۳۹۰)، انقلاب ایران و ژئوکالچر مقاومت در سیاست بین‌الملل (۲۰۱۱ - ۱۹۷۹)، فصلنامه سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، دوره ۴۱، شماره ۴.
۲۶. فیرحی، داود (۱۳۸۹)، درآمدی بر فقه سیاسی، فصلنامه علمی پژوهشی سیاست، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، شماره اول، صفحات ۲۲۵-۲۴۰.
۲۷. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۳)، تحلیل ژئوپلیتیک اسلام سیاسی و تأثیر انقلاب اسلامی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال پانزدهم، شماره ۵۷، بهار، صفحات ۳۱-۵۰.
۲۸. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷ ب)، ژئوپلیتیک محور مقاومت و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس گفتمان انقلاب اسلامی، فصلنامه آفاق و امنیت، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار، صفحات ۵-۳۳.
۲۹. قاسمی، بهزاد (۱۳۹۷ الف)، مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به افراطی‌گری و تروریسم، پژوهشنامه انقلاب اسلامی، دوره ۸، شماره ۲۸، پاییز، صفحات ۱۵-۳۷.
۳۰. قانون اساسی جمهوری اسلامی، مصوب ۱۳۵۸، با آخرین اصلاحات ۱۳۶۸.
۳۱. قنبرلو، عبدالله (۱۳۸۸)، مفهوم و ماهیت قدرت منطقه‌ای، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال دوازدهم، زمستان، شماره ۴۶، صفحات ۳۸-۶۵.
۳۲. کیوان حسینی، سید اصغر (۱۳۸۴)، جایگاه مقوله دفاع همه‌جانبه در اندیشه فقهی - سیاسی امام خمینی (ره)، فصلنامه مطالعات بسیج، سال هشتم، ش ۲۹، زمستان.

۳۳. مارویاما، جعفری ام (۱۳۸۹)، اصول مدل‌سازی معادلات ساختاری، ترجمه صمد رسولزاده اقدم، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی با همکاری مرکز افکار سنجی دانشجویان ایران.
۳۴. محمدی، منوچهر (۱۳۶۹)، سیاست خارجی ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۵. مدنی، جلال (۱۳۷۰)، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران، تهران: همراه.
۳۶. مقام معظم رهبری انقلاب به کنگره عظیم حج، ۱۳۸۷/۹/۱۷.
۳۷. مقام معظم رهبری با عنوان گام دوم در چهلمین سال پیروزی انقلاب، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲.
۳۸. مقام معظم رهبری به مناسبت دومین سالگرد ارتحال حضرت امام، ۱۳۷۰/۰۳/۱۳.
۳۹. مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران. ۸۶/۰۵/۳۰.
۴۰. ملک‌زاده، محمد (۱۳۹۴)، قدرت نرم نظام جمهوری اسلامی ایران در ابعاد منطقه‌ای (مؤلفه‌ها، دستاوردها و راهکارها)، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاست متعالیه، سال سوم، شماره یازدهم، بهار، صفحات ۱۳۳-۱۵۴.

انگلیسی

41. Daniel Flesmes, "Conceptualising Regional Power in International Relations: Lessons from the South African Case", GIGA Research Programme: Power, Violence and Security (Working Papers), p. 10 Available: [http:// ideas. Repec. Org](http://ideas.Repec.Org).
42. Flesmes, Daniel (2010), Regional Leadership in the Global System Ideas, Interests and Strategies, Germany, GIGA German Institute of Global and Area Studies.
43. Mosavi Shafaei, Seyed Masoud, 2010, Constructivist view into The enmity between Iran and The west: Manifestation of The Islamic Revolution Identity in Iranian foreignpolicy behavior, Geopolitics Quarterly, Vol.6, No.4, Winter..
44. New York times News Service (2007) Iran becoming Super Power, February.
45. Nye, Joseph (2007): «Notes for a Soft Power Research Agenda», in Power in Politics, London and New York, Routledge.
46. Rubin, Jennifer (2013), U.S. retreat means Iran's grows, The Washington Post, February 19, <http://www.washingtonpost.com>.
47. Serfaty, Simon (2011) "Moving into a Post-Western World", Washington Quarterly, 34:2, Spring, pp.7-23.

